

دوست آنست که در غیابت وکیل مدافعت باشد..



دوستان ارجمند:

امروز با یک زنی مصاحبه نموده ام، که کمتر بدیل و کمتر همتا دارد.. بعد از خوانش مصاحبه با او و کار کرد های افتخار آمیزش بیشتر آشنا میشود.. پس با ما باشید...

خواننده گان عزیز ... امروز سفر مجازی طرف قاره پهناور ایالات متحده امریکا شهر زیبای Missouri دیدن یک زن با وفا، یک مادر با تمکین و فداکار و یک دوست بی همتا دارم با این اوصاف حتمی فهمیده اید که خانم فوزیه شهاب عزیز منظور و مطلوب ماست.. ولی قبل از آغاز مصاحبه با خانم شهاب می پردازم به معرفی فشرده ایشان.. خانم فوزیه شهاب به تاریخ 22 می 1962 در شهر کابل چشم به جهان گشوده است. او تحصیلات ابتداییه را در مکتب نیکبختی و متوسطه را در شهر جلال آباد و عالی را در لیسه سوریا به اتمام رسانیده است. خانم شهاب در سال 1357 هنگام که هنوز متعلم صنف یازدهم مکتب بود، هیئت از رادیو تلویزیون ملی افغانستان جهت دستیابی برای دریافت استعداد های جوان به مکاتب سر میزدند، خوشبختانه که فوزیه جان شامل اولین گروپ شاگردان بود که انتخاب و بعد از سپری شدن امتحان و چک صدا منحیث گوینده برگزیده شدند. البته با گذشت زمان و اندوخته های فراوان خوانش اخبار ساعت هشت شب که آخرین معیار نطایق در آن زمان بود رسیدند. خانم شهاب از سال 1357 الی سال 1367 برنامه های مختلف از جمله اخبار سیاسی، ادبی، تفریحی، ذوقی و هنری را اجرا کرد، که معروفترین این برنامه ها از **مونگاه ذهن**، **پاسخ چیست؟**، **ترانه ها و سخن ها**، **صدا رادیوی مردم و گلبرگها** و بعضی اعلانات تجارتي هم شامل آن بود. همه این برنامه ها شنونده ها و بیننده های زیاد و خاص خود را داشت البته قابل یاد دهانی است، اینکه

خانم شهاب بعد از اینکه در برنامه های رادیو به حد پخته گی لازم رسید راهی تلویزیون شد. خانم فوزیه شهاب از دواج نموده است، که ثمره آن پنج دختر و مادر کلان دوازده نواسه هستند ایشان از مدت 34 سال بدینسو از وطن دور و در امریکا زنده گی میکنند. و بیشتر از 2 سال بدینطرف منحصیث نطق برازنده و گرداننده موفق با رادیو تلویزیون وطن همکاری دارند.

او به رنگ سیاه علاقه داشته و آنرا آرامش بخش و حقیقی میداند، آواز خوانان مورد پسند شان احمد ظاهر، جاوید امرخیل و ناشناس است.

خانم شهاب عزیز... ممنون تان که با لطف و مهربانی پیشنهاد مصاحبه را پذیرا شدید، البته برای خودم نیز مایه مباهات است که پای صحبت های ارزشمند تان نشسته ام و همچنان صفحه های کتاب زنان پیشگام افتخار دارد، که اوراق آن برای مصاحبه با شما اختصاص یافته است.

ناهِید: خانم شهاب گرامی خرسندم که امروز شما را با خود دارم، اگر لطف نماید برایم بگویند، که چرا شما مکتب را در چندین ولایت مختلف کشور خوانده اید؟

آیا این تفاوت نصاب درسی و مکاتب سبب پراکنده گی ذهن و وقت تان نشده بود؟
فوزیه: از انجاییکه پدر جانم به صفت مستوفی ولایات گرمسیر ایفای وظیفه مینمود، بدین لحاظ ما باید از کابل به آن ولایات با فامیل میرفتیم، در ولایت سرد سیر ختم مکاتب آغاز گرمسیر میبود چانس آوردیم که 12 سال مکتب را در ده سال تمام کردیم

ناهِید: به رادیو تلویزیون ملی چطور راه یافتید؟ آیا به اساس گرفتن امتحان، به این مامول بزرگ دست یافتید، و یا تصادفاً این زمینه مهیا شد؟

فوزیه: ناهید جان عزیز من در بیوگرافی خود توضیح دادم که رفتن من به رادیو تلویزیون ملی به اساس امتحان توسط هیئت که به مکاتب شهر کابل جهت کشف استعداد های جوان و انتخاب نطاقان جوان بود در سال 1357 صورت گرفت.

ناهِید: اولین خوانش مطلب تان در رادیو بود، و یا در تلویزیون؟ آیا متن آن را به خاطر دارید؟

فوزیه: بلی در آن زمان پروسه نطق شدن از خوانش اعلانات تجارتي آغاز میشد، دقیقاً به یاد دارم سه ماه مکمل اعلانات تجارتي را میخواندم

ناهِید: خانم شهاب عزیز.. اولین باریکه در پرده تلویزیون ملی ظاهر شدید، کدام سال بود، و چه احساس داشتید، چون جامعه ما سنتی بود، ظاهر شدن یک دختر جوان در محضر عام زیاد مروج نبود.

فوزیه: ناهید جان عزیز با تشکر از ارایه سوال جالب تان اولین بار من در سال 1358 به طور امتحانی منحصیث انانسر معرفی و اولین بار در برنامه های تلویزیون در پرده تلویزیون ظاهر شدم که البته خیلی خوشحال بودم، عکس العمل جامعه آنقدر سختگیرانه و بد نبود، بیشترین ترس مردم از ترور شدن بود، چون در آن سالها امنیت خوب نبود اما من با استقبال خوب بیننده ها مواجه شدم

ناهِید: بعد از اینکه در پرده تلویزیون ظاهر شدید، عکس العمل فامیل و دوستان چطور بود؟

فوزیه: مشوقین من در راه نطاقی خانواده عزیزم از پدر جانم گرفته تا ماما ها، خاله و همه خانواده بودن که من مدیون آن همه محبت ها و تشویق و همراهی شان هستم

ناهِید: انگیزه آمدن به رادیو تلویزیون وطن چه بوده، از اینکه به کار حرفوی نطاقی خود دوباره

سروکار پیدا نمودید، احساس تان چه است، آیا اینجا هم بار اول که بعد از دیر زمان دوباره به روی سکرین ظاهر شدید، دلهره داشتید؟

فوزیه: انگیزه آمدن من به رادیو تلویزیون وطن شما بودید حتمی می خندید و میگویند چطور؟؟

ناهِید جان عزیز روزی بعد از یک عمر خاموشی و دور بودن از مسلکم که عاشقانه آنرا دوست داشتم و دارم عبید جان اورکزی مسوول نوید تی وی با من مصاحبه داشت هنوز مصاحبه تمام نشده بود که زنگ تلفون آمد و صدای یک فرشته مرا مخاطب قرار داد و گفت سلام سلام من ناهید علومی هستم و شما را از رادیو تلویزیون وطن زحمت می دهم در آن لحظه من مثل همه انسانها احساس خوشی کردم گفتم شاید این خانم قشنگ و با صدای ملکوتی اش از من تقاضای مصاحبه کردن را دارد

اما ناهید جان چیزی بالاتر از مصاحبه از من خواستی داشت و آن دعوت و همکاری کردن در رادیو و

تلویزیون وطن بود پشنهادهی که من اصلاً فکرش را هم نمی کردم من در مورد رادیو تلویزیون وطن شنیده بودم اما هیچگاه برنامه هایش را ندیده بودم چون من در فیسبوک فعال نبودم بعد از گفتن این حرفها که من حالا پیر شدیم و مدتی زیاد (35) سال گذشته که اصلاً در پشت میکروفون نبودیم من بلد نیستم چگونه برنامه بسازم ناهید جان مثل يك ناجی و رهنما و فرشته برایم گفت من در کنارت هستم من کمکت می کنم من رهنمایی می کنم و مرا دعوت کرد برای نطایق در برنامه رادیو وطن از اشتباهات که در اجرای برنامه رادیو داشتم می گذریم اما از حق نمیگذرم ناهید جان مرا خیلی کمک و رهنمایی کردن و من دوباره شدم فوزیه شهاب و بلی وقتی بعد از دیر زمانی دوباره خودم را در سکرین تلویزیون یا صفحه مجازی دیدم دلهره داشتم و انهم اینکه ایا مرا دوباره بیننده های عزیزم بعد از سه ونیم دهه باز هم مثل ایام جوانی قبول خواهند کرد یانی ؟؟ ایا من می توانم اعتمادی که ناهید جان و همکاران شان بالای من کردن به دست بیاورم ؟ ایا من باز هم با مو های سفید می توانم خاطرات خوش گذشته را برای بیننده ها تداعی کنم یا خیر ؟؟ با توکل به خدا و تشویق های ناهید جان و دیگر همکاران عزیز فعلی ام امدم به رادیو تلویزیون وطن و تا حالا در خدمت هستم

ناهید : مشوره تان من حیث یک نطایق برازنده که سالیان متمادی در این بخش و رشته کار نمودید، به افرادیکه می خواهند رو به نطایق بیاورند، چیست؟ آنهم نطایق تلویزیونی!

بطور مثال:

چهره خوب
لباس خوب

و یا مهمتر از همه سواد کافی ؟

فوزیه : در کنار چیز های که شما یاد کردید برای يك نطایق رادیو و تلویزیون بر علاوه چهره خوب لباس مناسب مهمترین چیز سواد کافی ادای کلمات به صورت درست معلومات افایق دانستن تاریخ و جغرافیه و ادبیات است حتمی برایتان سوال پیدا میشود جغرافیه و تاریخ و ادبیات با نطایق چي ارتباط دارد ؟ بلی ناهید جان وقتی بعضاً غلطی در اخبار رخ می دهد و نام يك کشور غلط نوشته میشود نطایق باید بداند که این مملکت است و مرکزش کجا است و در کدام قاره جهان واقع شده به همین منوال در مورد تاریخ و ادبیات هم باید يك نطایق بداند در اینجا يك خاطره یادم امد :- خداوند مغفرت نماید بابای موسیقی استاد سراهنگ را وقتی در هند مدال طلا را دریافت نمود یکی از همکاران عزیزی ما در اخبار خواندن که (د هند دولت استاد سراهنگ ته د سر زوری مدال ورکر) یعنی د سرو زرو مدال را مدال سر زوری خواند من ان همکارم را مقصر به این میدانم که او از همه حایب خبر بود

ناهید : آینده این همه دریچه های انترنیتی که افراد و اشخاص در عقب آن نشسته، بدون کدام سابقه گرداننده گی که تفکیک شهر و کشور را ندارند چیست؟

همچنان شما من حیث یک نطایق برازنده و سابقه دار این همه نا بسامانی ها را چطور ارزیابی میکنید.

فوزیه : در مورد این سوال مهم تان باید بگویم که متاسفانه منهم شاهد این بدبختی هستم شما همیشه در برنامه های تان میگوید رسالت مطبوعات آگاهی دادن به مردم است در زمان ما هم انقدر به این موضوع توجه میشد که حتی تفاوت تلفظ الف و ح را تا سرحد آخری دقت می کردن شما هیچ یک از نطایقان سابق را نمی شناسید که این کار را بکنند که فرق بین الف و ح یا ه را ندانند متاسفانه هرکس با ادبیات و لهجه های متفاوت کشور های همسایه و یا هم برای اینکه خود را تحصیل کرده و با مطالعه نشان بدهند کلمات را جویده یا هم به طور عجیب نا آشنا تلفظ می کنند که این باعث تشویش من است و در ضمن بعضاً پوشیدن لباسهای نا مناسب و آرایش های جلف باعث بی ارزش شدن خود نطایق و ان رسانه میشود.

همه میدانیم که رادیو تلویزیون منبع دانش ، آگاهی دهی و نماینده گی از سیاست دولتها و اداب اجتماعی یک کشور و یک فرهنگ هست اینهمه نا بسامانی ها و تقلید از فرهنگ بیگانه ها باعث سقوط فرهنگ اصیل افغانی میشود جوانان بی بند و بار و بی تفاوت به فرهنگ اصیل خود و ارزش های وطن شان میشوند تا که ما می توانیم باید جوانان و خانواده ها را متوجه اصالت شان بنمایم

ناهید : خانم شهاب عزیز به عنوان سوال اخیر اگر از تجربه دو ساله تان در رادیو تلویزیون وطن گفتنی ها داشته باشید، تا سرمشق برای دیگران که در این راستا می خواهند قدم بردارند، بگوید خوش

میشوم

فوزیه: ناهید جان عزیز! این مسله را شما باید ارزیابی نماید و برایم بگوید تا چی حدی توانستیم رضایت شما و اولیایی امور را به دست آوریم من یک اصل را متوجه شدم که مردم عزیز ما هنوز هم با اینکه 45 سال جنگ، مهاجرت و مشکلات را دیده اند به هنر ادبیات و ارزش های خوب جامعه افغانی خود وابسته هستند که این خود اصالت يك ملت را نشان میدهد من دریافتم هموطنان عزیزم بیننده گان و شنونده گان عزیز رادیو و تلویزیون وطن این اصالت را در این رسانه یافته اند و روز به روز به تعداد بیننده ها و شنونده های ما افزوده میشود همکاران عزیزم از محترم جمشید پایمرد تا همه همکارانم در حفظ این رسالت می کوشند تا يك تلویزیون و رادیویی سچء افغانی داشته باشیم تا هر گونه ذوق را کفایت کنند و عزیزانی که می خواهند در کنار ما در این رسانه باشند باید تعصبات قومی ملیتی و زبانی را نداشته باشند همیشه حقیقت و منافع والای وطن و وطنداران خود را در نظر بگیرند جوانان به معلومات افغانی خود بافزایند و ممنونم از شما ناهید جان عزیز که زحمت تنظیم اینهمه پرحرفی مرا کشیدید موفق باشید امیدوارم از بودنم در این رسانه شما و همکارانم از من راضی باشند من همیشه به خدمات شما تشویق شما و رهنمایی های تان افتخار می کنم موفق باشید

ناهید: با سپاس از وقت تان

